

به نام خدا

سیر تطور تطبیقی مهریه در اسلام با چشم انداز و نگرشی متفاوت در ادیان دیگر

مؤلف :

دکتر لیلا علی پور

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۰

نام کتاب: سیر تطور تطبیقی مهریه در اسلام با چشم انداز و نگرشی متفاوت در ادیان دیگر

مولف: دکتر لیلا علی پور

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

چاپ: مدیران

قیمت: ۵۶۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۷۸۱-۷

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۱	فصل اول: مفاهیم و مبانی نظری احکام شرایط مهریه در فقه (امامیه)
۱۱	تاریخچه مهریه
۱۳	مهریه در یونان قدیم
۱۳	مهریه در حقوق زرتشتی
۱۴	مهریه در آیین یهود و مسیحیت
۱۶	مهریه در اسلام
۱۷	اهمیت مهریه در حقوق اسلام
۱۸	اسناد حقوقی مهریه
۲۰	تدلیس عیب (در نکاح) از منظر فقه و حقوق
۲۱	بررسی فقهی تدلیس عیب (در نکاح)
۲۳	تدلیس عیب در حقوق موضوعه و حقوق جزا
۲۴	انواع مهریه و شرایط آن
۲۴	فلسفه ی تشریح مهریه
۲۵	انواع مهریه در فقه و حقوق اسلامی
۲۵	الف) مهر المسمی
۲۷	ب) مهر المثل
۳۱	ج) مهر المتعه

۳۲ تعیین مهریه در عقد ازدواج
۳۲ مالکیت مهریه
۳۳ مالکیت زن بر مهر و ضمانت اجرای آن
۳۴ عدم تعیین مهر در عقد ازدواج
۳۵ اثر انحال ازدواج در مهر
۳۸ اثر انحال ازدواج قبل از تعیین مهر
۳۹ حکم مهر در نزدیکی به شبهه
۳۹ مهریه و تعهد پدر شوهر در پرداخت
۴۰ همخوانی و مهریه
۴۰ شرط نبودن پرداخت مهریه در تمکین
۴۱ تغییر جنسیت و مسئله مهریه زن در عقد دائم
۴۵ احکام مهر در نکاح منقطع
۴۶ تغییر جنسیت و تأثیر آن بر مهریه زن در عقد موقت
۴۸ به ارث رسیدن مهریه
۴۹ مهریه و خمس
۴۹ نظریات فقهی در خصوص مهر المثل و ارش البکاره
۵۳ لزوم پرداخت ارش البکاره
۶۰ تأثیر رضایت یا عدم رضایت دختر در تعیین ارش البکاره
۷۲ استفتائات در رضایت و اذن زانیه و ارش البکاره و مهر
۷۴ ارش البکاره و مهر المثل در زنا از منظر فقها
۷۹ ارش البکاره در آراء دیوان و نظرات مشورتی

۸۲ مسقط مهرالمثل و مسقط ارش در رضایت باکره به زنا
۸۷ فصل دوم: مبانی فقهی و حقوقی حق حبس در نکاح و مهریه
۹۲ حق حبس در نکاح و مهریه
۹۸ اثر اعسار زوج بر حق حبس
۹۹ اثر تقسیط مهر بر حق حبس
۱۰۱ نظریه فقهای حق حبس زوجه پس از تقسیط مهر
۱۰۳ مبنای فقهی ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی
۱۱۵ مبنای فقهی مواد ۱۰۸۱ و ۱۰۸۷ و ۱۱۰۰ قانون مدنی
۱۲۲ آرای وحدت رویه در تقسیط مهریه زوجه
۱۳۵ فصل سوم: تحلیل تطبیق مهریه در مذاهب اسلامی
۱۳۵ مهریه نکاح در مذاهب
۱۴۱ قرآن
۱۴۲ سنت
۱۴۲ اجماع
۱۴۶ احکام مهریه در مذاهب اهل سنت
۱۴۹ مهریه در فقه شافعی
۱۵۰ هدیه بخشی از مهریه
۱۵۲ ایراد برابوحنیفه
۱۵۴ مقدار مهریه در مذاهب
۱۵۶ تعجیل و تأخیر مهریه
۱۵۷ محاسبه مهریه

۱۵۸.....	واجب شدن تمام یا نصف مهریه و یا اسقاط شدن آن
۱۵۹.....	استقرار همه ی مهریه
۱۵۹.....	استقرار نصف مهریه
۱۶۰.....	اسقاط همه ی مهریه
۱۶۰.....	تعیین مهر المثل
۱۶۱.....	صفات معتبر در تعیین مقدار مهر المثل
۱۶۱.....	دلیل مشروعیت مهر المثل در مذاهب
۱۶۲.....	مهرالسنة در مذاهب
۱۶۷.....	شرط قدرت پرداخت مهریه از سوی زوج در مذاهب
۱۷۱.....	نتیجه گیری
۱۷۷.....	فهرست منابع

مقدمه

بهترین نقشه جهت ارتقای ارزش های والای انسانی، جایگاه والای وجودی زن در دین مبین اسلام است، بر خلاف فرهنگ غرب که زن را بعنوان موجودی برای مقاصد حیوانی و تبلیغات برای کالاهای اقتصادی استفاده می کنند اما اسلام برای این موجود ارزش قائل شده و آنها را بعنوان امانت الهی می داند و به رعایت حق و حقوق آنان توسط مردان تأکید نموده است، مهریه را صدق می نامند؛ زیرا پرداخت آن بیانگر رغبت و تمایل راستین و صادقانه ی شوهر به ازدواج با زن می باشد و آن مالی است که به سبب عقد ازدواج، پرداخت آن از جانب شوهر به زن، واجب می گردد، زیرا جایگاه بسیار مهمی را در زندگی ما از گذشته و به ویژه در دهه های اخیر ایفا می نماید لذا بحث و بررسی پیرامون آن اهمیت وافر دارد.

همچنین به مقدار مالی که عرفاً در عقد ازدواج، برای زنانی که همانند زوجه هستند، مطالبه می گردد مهر المثل گفته شده است. به عبارتی دیگر در صورتی که زن و شوهری ضمن عقد در میزان نوع مهریه به توافق نرسند و یا مهری معین کنند که فاقد اوصاف شرعی

و قانونی باشد، در صورت درخواست مهریه از سوی زن یا فسخ نکاح، قانون مدنی زن را مستحق مهر المثل می‌داند.

با توجه به گسترش زندگی شهری و برخوردهای اجتماعی و به تبع آن گسترش روابط زنان و مردان در جامعه بحث آسیب‌های اجتماعی و انحرافات جنسی در جوامع بیش از پیش مطرح می‌شود و در این میان دستگاه قضایی می‌بایست به روش‌هایی برای رسیدگی به این دسته از جرایم توسل جوید که در این میان بحث تعیین ارزش البکاره برای دخترانی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند جایگاه ویژه‌ای دارد که متأسفانه به طور صریح از سوی قانونگذار مورد بحث و کنکاش قرار نگرفته حقوقدانان نیز تا به حال نگاه جدی به آن نداشته‌اند؛ لذا در این پژوهش به این نکته نیز توجه شده است. ازدواج قراردادی بسیار مهم است که از لحاظ فردی و اجتماعی قابل مقایسه با دیگر قراردادها نیست. لذا قانون‌گذار آثار خاصی برای آن قائل شده و آزادی افراد را در این زمینه محدود کرده است. البته افراد در انتخاب همسر و انعقاد عقد نکاح کاملاً آزاد هستند، اما قانونگذار اصولاً آثار ازدواج را خود تعیین کرده و اراده افراد نمی‌تواند این آثار را تغییر دهد.^۱ لذا یکی از مباحث مهم فقه و حقوق است. این حوزه بخشی از متون مدنی است که مقررات و قواعد کلی الزام‌آور بر شکل‌گیری، استدام و انحلال خانواده را بیان می‌کند این بخش حقوق با در نظر گرفتن مصالح تک تک اعضا و نقش آن از یک سو و مصالح نهاد خانواده از سوی دیگر و کارکردهایی از جمله نمای مشروع و نظام مند نیازهای جنسی، تولیدمثل و حفظ بقای نسل بشر، تامین منطقی نیازهای عاطفی و روانی و فرآید آرامش برای اعضا برقراری زمان مراقبتی و حمایتی برای اعضای ناتوان در کودکی و سالمندی و آماده‌سازی افراد برای

ایجاد روابط حقوقی اعضای خانواده را ترسیم می نماید و حقوق و تکالیف هر یک را در مورد یکدیگر بیان می کند حقوق و فقه خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا خانواده شالوده جامعه انسانی است به طوری که هرگونه تحول و تطور در آن بر دیگر بخشهای اجتماعی می گذارد و پرسش اصلی در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر است. همچنین تعیین مهر از شرایط اساسی نکاح است و در این گونه موارد عدم ذکر مهر در نکاح موجب بطلان عقد است. با توجه به آنچه مورد توجه است؛ مهریه نیز یکی از ارکان ازدواج (موقت) است و چنانچه در عقد ذکر نشود عقد باطل است. در عقد موقت اگر مهر تعیین نشود عقد باطل است. به این معنا که در زمان عقد لزوما باید مهر معلوم و میزان آن مشخص باشد. کم یا زیاد آن بستگی به توافق و تراضی طرفین عقد دارد. مهریه باید مال معینی باشد و مالکیت داشته باشد و قابل تملک باشد و متعلق به مردی باشد که قصد اجرای صیغه عقد را دارد

فصل اول :

مفاهیم و مبانی نظری احکام شرایط مهریه در فقه (امامیه)

تاریخچه مهریه

برای بیان تاریخچه مهریه می توان این سؤال را طرح نمود که؛ آیا مهریه از احکام

تأسیسی اسلام

محسوب می شود با قبل از ظهور کتب اسلام هم رسم دادن مهریه به زنان رایج بوده

است؟

آنچه از مطالعه تاریخی حقوق زن در ادوار گذشته معلوم می شود این است که مهریه از

ابداعات حقوق اسلام نیست و قبل از آن نیز وجود داشته است. قدیمترین قانونی که

تاکنون شناخته شده، قانون حامورابی می باشد که در حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تدوین شده است.

قانون حامورابی شامل ۲۸۲ ماده می باشد که ۱۵۰ ماده آن به زبانها زنده ترجمه شده است.

طبق مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ قانون مزبور اگر زن عقیم بوده و طلاق داده شود، شوهر مکلف است که مهر و جهیزیه وی را تسلیم کند و در صورتی که زن مهر و جهیزیه نداشته باشد، پرداخت مقدار یک من نقره به او ضروری است.

هرگاه زن مرتکب ترک خانواده یا اعمالی از قبیل آن شود، به لحاظ جرم ارتكابی، شوهر از تأدیه مهریه و جهیزیه معاف بوده است.

نظر به مراتب فوق معلوم می شود که قانون حامورابی با وضع مواد خاصی درباره مهریه آن را از احکام عقد نکاح تلقی کرده است (www.hawzah.net).

در ایران باستان نیز دختران را به محض رسیدن به سن بلوغ شوهر می دادند که از تولید مثل جلوگیری نشده باشد. پدر هم با شوهر دادن دختر خود کلیه حقوقی را که بر دختر و وظایفی را که در مقابل او داشت به شوهر انتقال می داد و در قبال این انتقال مبلغی پول یا مال غیر نقدی به صورت هدیه (مهریه) می گرفت. لکن اگر بعداً عیب مسلمی از قبیل نازا بودن در دختر دیده می شد، شوهر می توانست مبلغی را که داده است، استرداد کند و زن را هم طلاق گوید (مجله زن روز، ش ۱۸۷۰)

مهریه در یونان قدیم

در یونان قدیم شخصیت حقوقی زن کمتر مورد توجه بود، چنانکه مردان می توانستند زن خود را به دیگری ببخشند یا او را به دوست خود قرض دهند اما آنچه از کتب مربوطه برمی آید از جمله تشریفات که برای ازدواج در یونان قدیم صورت می گرفته این بوده است که پدر دختر، بدون اخذ مبلغی پول یا هدیه از طرف داماد با انتقال حقوق خود نسبت به دختر و در نتیجه با ازدواج وی موافقت نمی کرده است (آراد، مهریه، ص ۱۶).

مهریه در حقوق زرتشتی

از نوشته های زرتشتی چنین برمی آید که مرد هنگامی که می خواست با دختری ازدواج کند، مکلف بوده است که علاوه بر مالی که به دختر می بخشیده مالی را نیز به پدر او تسلیم کند. از حقوق زرتشتی در خصوص مهر می توان نکات ذیل را استنباط کرد:

۱- اقوام دختر هنگام نکاح او مقداری از مال خود را که مساوی با سهم الارث دختر از مال آنها بوده است، تسلیم وی می کردند.

۲- شوهر یا اقوامش مقداری هدایا به دختر و نزدیکان او می دادند اما معلوم نیست که آیا اهداء اموال مزبور برای عقد نکاح ضروری بوده است یا خیر. ولی مسلم است که هنگام انحلال نکاح زن نمی توانسته اموالی را که متعلق به او بوده قبل از پرداخت قروض و یا سایر تعهدات شوهر استرداد کند، یعنی در واقع تعهدات شوهر درباره زن نیز مؤثر بوده است.

در حقوق زرتشتی زن می توانسته مهری را که شوهر به او داده یا تعهد به تسلیم آن کرده است به او ببخشد اما در صورتی که زن مهر را گرفته و بعداً عیبی از قبیل نازا بودن در او ملاحظه می شد، حق زن نسبت به مهر ساقط و شوهر مجاز در استرداد آن بوده است (علی آبادی، ۱۳۸۳، صص ۶۳، ۶۸، ۷۵)

مهریه در آیین یهود و مسیحیت

مهر اکنون نیز بین اسرائیلیها از ارکان عقد نکاح به شمار می رود و کلیه فرق یهود نکاح بدون آن را باطل می دانند. در فرقه کاتولیک مهریه وجود ندارد، فرقه پروتستان تعیین صداق را الزامی نمی داند ولی با موافقت زوجین و والدین، آنها می توان صداق را تعیین و در نکاحنامه تصریح نمود (امیربیک، ۱۳۸۱، شماره ۱۰).

مهریه در عربستان قبل از اسلام در عربستان قبل از اسلام زن وضع خاصی داشت و نه تنها شخصیت و حقوقی برای او قائل نبودند بلکه اصولاً با وجودش مخالفت داشتند. به طوری که تاریخ حکایت دارد اعراب، داشتن دختر را ننگ تلقی می کردند و به وسایل مختلف او را از بین می بردند. در عربستان مهر متعلق به پدر بوده و دختر حقی به آن نداشته و چون پدر با تزویج دختر خود و گرفتن مهر او مال خود را زیاد می کرد، لذا دختر را نافجه می گفتند و تهنیت کسی که صاحب دختری می شد جمله (هنیئا لك النافجه) بود. اعراب در زمان جاهلیت از تزویج دختران خود بغیر از قبیله امتناع داشتند مگر در صورتی که داماد به پرداخت مهر زیادتری حاضر می شد که در این حالت پدر دختر، با ازدواج او موافقت می نمود. حتی در خود قبیله هم حق تقدم برای ازدواج با کسی بود که مهر بیشتری تسلیم می

کرد (دین ژوهان، ۱۳۸۱، شماره ۱۰). در زمان جاهلیت رسم دیگری نیز بود که موجب محروم شدن زن مهر می شد. یکی از آنها رسم ارث زوجیت و یا نکاح میراثی بود. بدین صورت که اگر کسی می مرد وارثان افراد از قبیل فرزندان و برادران همان طوری که ثروت او را به ارث می بردند، همسر او را نیز به ارث می بردند و پسر یا برادر میت این حق را داشت که آن زن شوهر مرده را به تزویج دیگری درآورد و مهریه را هم خودش بگیرد و یا او را بدون مهر جدیدی و به موجب همان مهری که میت قبلاً پرداخته زن خود قرار دهد.

قرآن کریم رسماً ارث زوجیت را منسوخ کرد و فرمود: «یا ایها الذین امنوا لایحل لکم ان ترثوا النساء کرهاً»: ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روا نیست که زنان مورث خود را ارث ببرید در حالی که خود آن زنان تمایل ندارند که همسر شما باشند. دیگر از انواع نکاح عجیب زمان جاهلیت نکاح ثغار است در این نکاح مهر جنبه مالی ندارد و به ولی دختر نیز چیزی داده نمی شود بلکه پدر یا برادر دختر در قبال تمتعی که از دختری می بردند حاضر می شدند که دختر یا خواهر خود را به تزویج پدر یا برادر آن دختر در آورند. بنابراین نکاح ثغار از اقسام نکاح معاوضه به شمار می رفت. اسلام این رسم را منسوخ کرد. رسول اکرم در این مورد فرموده اند «لا ثغار فی الاسلام» نکاح ثغار در اسلام جایز نیست (رحمتی، ۱۳۸۱، شماره ۱۰).

مهریه در اسلام

آنچه از مطالعه تاریخ حقوق زن در ادوار گذشته معلوم می شود این است که روز به روز وضعیت زن در اجتماعات مختلف بهتر شده و به مرور زمان و ظهور تمدن، زن امتیازات و حقوقی کسب نموده است.

پس از ظهور اسلام نیز وضعیت زن در ردیف سایر امور اجتماعی کاملاً تغییر یافت. قرآن کریم هر رسمی را که موجب تضییع مهر زنان می شد منسوخ کرد، از جمله آن که وقتی مردی نسبت به زنش دلسرد می شد، او را در مضیقه و شکنجه قرار می داد و هدفش این بود که با سختی دادن وی او را به طلاق راضی گرداند و تمام یا قسمتی از آنچه را که به عنوان مهر به او داده از او پس بگیرد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «زنان را به خاطر این که چیزی از آنها بگیری و قسمتی از مهری که به آنها داده اید جبران کنی، تحت مضیقه و شکنجه قرار ندهید.» (و لا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن، «نساء/۱۹») چون حقوق اسلام اهمیت فراوانی برای نکاح قائل بوده، احکام خاصی برای آن وضع کرد که یکی از مهمترین آن احکام مهر می باشد. پدید آمدن مهر نتیجه تدبیر ماهرانه ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها به یکدیگر به کار رفته است. قرار دادن مهر برای زن ایجاد شخصیت می کند، به نوعی که می توان گفت ارزش معنوی مهر بیش از ارزش مادی آن است.

از جمله قوانین حقوقی اسلام در باب مهریه که با هدف دگرگونی آداب پیشین وضع شد، این بود که شوهر حق باز پس گیری مهریه از زن را ندارد. اسلام همچنین نگرش جامعه

به مهریه را تغییر داد. پیش از آن، مهریه را بهای زن می‌دانستند. اسلام این پندار نادرست از مهریه را اصلاح کرد و آن را هدیه، نه بهای زن معرفی کرد (شفق، ۱۳۸۸، ص ۸).

همچنین بر اساس فلسفه اولیه تعیین مهریه، مهر نوعی هدیه، پیشکش، نحله، اعطای بدون عوض و از روی صداقت (صداق) به صورت نقدی با تاکید بر معادل و ویژگی معنوی و فرامادی آن بوده است. برخی منابع مانند تفسیر نمونه نتیجه می‌گیرند صد «قاتهن» از ماده «صداق» است و بدان جهت به مهر «صداق» یا صد «قه» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲)، ج ۳- ۱۸۶، صص ۱۸۲-۱۸۱) گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد و محبت او به زن است. همچنین کلمه «نحله» به گفته راغب اصفهانی از «نحل» به معنای زنبور عسل است؛ چون زنبور عسل بدون توقعی عسل خود را می‌بخشد، کلمه «نحله» دلالت دارد که فلسفه مهریه، تقدیمی، پیش‌کشی، عطیه و هدیه است (اسحاقی ۱۳۸۴) بر اساس برخی منابع فقه اسلامی مانند جواهر الکلام (نجفی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۷)، مهری که شوهر به زن می‌پردازد، در حقیقت، عوضِ حقِ بهره بردن از بضع (آلت زنانگی) است.

اهمیت مهریه در حقوق اسلام

قانون مهر هماهنگی با طبیعت است، از این رو که نشانه و زمینه آن است که عشق از ناحیه مرد آغاز شده و زن پاسخگوی عشق اوست و مرد به احترام او هدیه ای نثاروی می‌کند و از این رو نباید قانون مهر که یک ماده از یک اساسنامه کلی است و به دست طراح طبیعت تدوین شده، به نام تساوی حقوق زن و مرد ملغی گردد.

در اسلام مسئله مهریه و پرداخت آن به قدری اهمیت دارد که اگر شوهر زنی، کافر شود و مهر زنش را نپردازد، دولت اسلامی او را موظف به پرداخت آن می کند و در صورت عدم قدرت از محل بیت المال به او می پردازد و نیز حاکم اسلامی با استفاده از اختیارات خود می تواند به طلبکاری بگوید که از طلب خود صرف نظر نماید ولی نمی تواند زن را وادار کند که مهر خود را به شوهر خود ببخشد. شکی نیست که مهریه موجبی برای دلگرمی زن در اداره کانون خانوادگی بوده و زمینه ای است جهت تأسیس آسایش فکری او. اما متأسفانه رسم غلطی را که اخیراً در جامعه شاهد آن هستیم و هیچ عامل بازدارنده ای نیز نتوانسته جلوی شتاب بیش از حد آن را بگیرد، ارقام نجومی مهریه می باشد که نه تنها باهدف تأسیس این نهاد سازگاری ندارد بلکه مقام زن را به گونه ای نمایان می کند که او کالایی است که در معرض فروش واقع شده و قیمتی برای آن در نظر گرفته می شود. در اسلام مهریه متعلق به خود زن است نه والدین و یا هر شخص دیگر (گودرزی، ۱۳۹۱)،

اسناد حقوقی مهریه

مهرالمتعّه، مهری است که برای تعیین میزان آن، حال مرد از حیث غنا و فقر، ملاحظه می شود و در صورتی که مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از رابطه ی، زناشویی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالمتعّه است و اگر بعد از آن، طلاق دهد، مستحق مهرالمثل خواهد بود.

مهرالمثل مهری است که برای تعیین آن، باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و هم چنین معمول محل و غیره

در نظر گرفته شود و در صورتی که در نکاح دائم، مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد و قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها، رابطه‌ی زناشویی برقرار شود، زوج، مستحق مهرالمثل خواهد بود. همچنین در صورت، جهل زن به فساد و نکاح و وقوع نزدیکی و جایی که مهر المسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد، نیز، زن مستحق مهرالمثل خواهد بود.

اگر یکی از زوجین، قبل از تعیین مهر و قبل از رابطه‌ی زناشویی، بمیرد، زن مستحق هیچ گونه مهری نیست.

آیین نامه اجرایی قانون الحاق یک، تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ماده ۱- چنانچه مهریه وجه رایج باشد مرجع صالح، بنا به درخواست هر یک از زوجین میزان آن را با توجه به تغییر شاخص قیمت سال زمان، تادیه نسبت به سال وقوع عقد محاسبه و تعیین می‌نماید. تبصره: در صورتی که زوجین، در حین اجرای عقد در خصوص محاسبه و پرداخت مهریه وجه رایج به نحو دیگری تراضی کرده، باشند، مطابق تراضی ایشان عمل خواهد شد.

ماده ۲- نحوه محاسبه مهریه وجه رایج، بدین صورت است: متوسط شاخص بها در سال قبل تقسیم بر متوسط شاخص بها در سال وقوع عقد، ضربدر مهریه مندرج در عقدنامه.

ماده ۳- در مواردی که مهریه‌ی زوج باید از ترکه، زوج متوفی پرداخت شود تاریخ فوت مبنای محاسبه مهریه خواهد بود، ماده ۴- بانک، مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام موارد زیر می‌باشد: الف: شاخص‌های بهای، سالهای قبل از اجرای این قانون را تهیه و در اختیار قوه قضاییه قرار دهد.

ب: شاخص مربوط به هر سال را به طور سالیانه حداکثر تا پایان خرداد ماه تهیه و به قوه قضاییه اعلام نماید.

ماده ۵- دادگاهها و ادارات ثبت اسناد و املاک موظفند در محاسبه میزان مهریه وجه رایج مطابق ماده ۲ و در تعیین تغییر شاخص قیمت مهریه بر اساس شاخصهای مقرر در ماده ۴ این آیین نامه اقدام نمایند.

ماده ۶- در صورتی که زوجه برای وصول مهریه به دادگاه صالح دادخواست تقدیم نماید، هزینه دادرسی به میزان بهای خواسته بر اساس مهرالمسمی با زوجه است و در صورت صدور حکم به نفع وی زوج علاوه بر پرداخت مهریه طبق ضوابط این آیین نامه مسوول پرداخت هزینه دادرسی به مقدار مهرالمسمی و ابطال تمبر به میزان مابه التفاوت خواهد بود.

ماده ۷- در صورتی که زوج تقاضای صدور اجازه طلاق نماید، دادگاه مکلف به تعیین تکلیف مهریه بر اساس این آیین نامه و بر طبق ضوابط ومقررات خواهد بود

تدلیس عیب (در نکاح) از منظر فقه و حقوق

اصطلاحی در فقه و حقوق که در عقود و به طور خاص، در بیع و نکاح کاربرد دارد و به معنی فریفتن، پوشاندن و کتمان عیب است، برای نمونه تدلیس در بیع، عبارت از کتمان عیب کالا از مشتری است.